

## ضرورتها، اهداف و مشکلات

## مدرسه تربیت مدرس

و سایر مسائل انقلاب فرهنگی از زبان برادر دکتر حبیبی سرپرست مدرسه تربیت

مدرس

تذکره:

بیش از سه سال و اندی از شروع انقلاب فرهنگی و تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی کشور می گذرد، ۲۶ شهریور ماه دانشگاهها در کلیه رشته ها بازگشایی و نوگشایی شد. کمیوها و نارسانیها در کار دانشگاه در همه زمینه ها امری بدیهی و روشن است و سخن گفتن از آنها چیزی جز تکرار مکررات نیست. لکن مسئله ای که امروز پس از سه سال همواره بایستی مورد امان نظر قرار گیرد، تلاش و کوشش در راه رفع این نارسانیها و کمیوهاست، امروز هرگونه ناهمگونی و ناهماهنگی و اعمال سلیقه های شخصی در امور برنامه ریزی، اجرا و سیستم مدیریت دانشگاهها بهر طریق مذموم است.

با وجود اینکه بیش از سه سال از تعطیلی دانشگاهها می گذرد، و ما آنچه را که در توان داشتیم برای بهسازی دانشگاهها عرضه کردیم، باید اعتراف کرد که هنوز در گامهای اولیه هستیم، البته این بدان معنا نیست که خدماتی را که تاکنون انجام یافته نادیده انگاریم، بهر حال امید آن داریم که بتوانیم از تجارب گذشته به منظور دستیابی به اهداف انقلاب فرهنگی به نحو بارزی استفاده نماییم.

«مدرسه تربیت مدرس» که یکی از ثمره های انقلاب فرهنگی است، و وظیفه خطیر تربیت استادانی مؤمن و متعهد برای دانشگاههای کشور را به عهده دارد، در آستانه سال تحصیلی جدید همزمان با دیگر مراکز آموزش عالی، کار خود را از سر گرفت. این مدرسه که بحق باید آنرا اساس تغییر و تحول در دانشگاهها و املاً جامعه دانست، متأسفانه آنگونه که شایسته این مرکز نوباست، نه تنها برای جامعه بلکه برای بسیاری از مقامات مسئول هم ناشناخته مانده است. دلیل این ادعا انبوه مشکلاتی است که «مدرسه تربیت مدرس» با آن دست به گریبان است و بسیاری از این مشکلات چیزی نیست که با مختصر هماهنگی وزارت علوم و آموزش عالی و ستاد انقلاب فرهنگی نتوان به حل آنها اقدام کرد!

البته طبق گفته برادر متعهدمان آقای دکتر حبیبی سرپرست مدرسه، مقامات مسئول از جمله برادر موسوی نخست وزیر محترم، قول مساعد و عاجل برای رفع مشکلات مدرسه را بایشان داده اند داده اند.

«مدرسه تربیت مدرس» کار آموزش اولین برم از رشته های علوم تجربی و دومین ترم از رشته های علوم انسانی را از ۲۶ شهریور ماه رسماً آغاز کرده است، مجله جهاد به دلیل اهمیت این مرکز علمی و جهت آگاهی از مسائل، مشکلات و برنامه های مدرسه از یکطرف و جويا شدن از نظرات برادر دکتر حبیبی نسبت به اهم مسائل انقلاب فرهنگی و سایر مسائل دانشگاهها از طرف دیگر، به سراغ ایشان در محل مدرسه رفته و برادر حبیبی در این رابطه به کلیه استوالات ما پاسخ گفتند، با آرزوی توفیق برای کلیه دست اندرکاران و دانشجویان سخت کوش و مؤمن به انقلاب اسلامی این مدرسه در جهت تحقق اهداف و آرمانهای انقلاب فرهنگی اینک نظر شما را به این مصاحبه جلب می کنیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

س: با توجه به ترمیم و ترکیب جدید ستاد انقلاب فرهنگی و حضور نمایندگان جهاد دانشگاهی در آن، شما این امر را در تقویت و گسترش ابعاد جریان انقلاب فرهنگی تا چه حد موثر می دانید؟

ج: در مورد ترکیب جدید ستاد و حضور نمایندگان جهاد در آن نسبت به تحرک این ستاد تا حدودی خوش بینی وجود دارد. به نظر من این ترکیب جدید گرچه از یک جهت با توجه به اشتغالات بعضی از اعضا مثل نخست وزیر، وزیر ارشاد و وزیر علوم که یقیناً نمی توانند فعالانه در کار ستاد حضور داشته باشند و بر جزئیات امر نظارت کنند، نمی تواند فعال باشد. ولی بهر حال حضور این افراد در ایجاد ارتباط کلی و بررسی مسائل عمومی ستاد نقشی موثری دارد.

حضور نمایندگان جهاد دانشگاهی، اگر یک حضور فعال باشد مایه تحرک است، با وجود این من نمی توانم فعلاً روی این مسئله نظر دهم چون فکر می کنم ترکیب جدید ستاد بنا به ضرورت در این وضعیت پیش آمده و این برای رفع یک سلسله مسائلی است که قبلاً وجود داشت، اما این ترکیب، ترکیبی نیست که بتواند ستاد را به حرکت در آورد

چون مقاماتی برای عضویت انتخاب شده اند که تمام وقت مشغول می باشند. و وقت این مسائل را ندارند انشاء الله که موفق باشند. جهاد همواره در جهات مختلف دخالتها و حمایتی در مورد ستاد داشته و در جهت خط دهمی و مسائل دیگر همکاریهایی با ستاد داشته و حضور دو نماینده از جهاد انشاء الله نقطه عطفی خواهد بود و مبین تفکر برادران جوان حزب الهی در ستاد است و می تواند حرکتهای جدیدی را در ستاد بوجود آورد. به نظر من فقط این دو نماینده از طرف جهاد می توانند نقطه امیدی برای تحرک ستاد باشند و برادران دیگری که گزیده شده اند نقطه عطفی در جهت هماهنگی می باشند. که اگر احياناً اختلافاتی بین وزارت علوم، ستاد و جهاد بود با حضور مقامات عالی مملکت، این مسائل هماهنگ شود. و از این جهت مایه برکت است.

شورای عالی فرهنگ

س: آقای خامنه ای در مصاحبه ای با روزنامه جمهوری اسلامی گفته اند: «ستاد انقلاب فرهنگی با ترکیب فعلی تا وقتی ادامه خواهد داشت که شورای عالی فرهنگ تصویب شود و بعد از تصویب آن، شورای عالی فرهنگ که نمایندگان امام نیز در آن حضور دارند جانشین قانونی ستاد خواهد بود.» نظر شما در این رابطه چیست؟

ج: البته ما الآن نمی دانیم که ترکیب شورای عالی چه خواهد بود ولی اگر ترکیبی باشد که قبلاً مطرح شده من یکی به آن خوش بین نیستم. اعضا ترکیب قبلی به صورت زیر پیشنهاد شده بودند:

رئیس جمهور، رئیس مجلس، نخست وزیر، تنی چند از وزراء، عده ای از ستاد انقلاب فرهنگی تعدادی استاد و نمایندگان از جهاد دانشگاهی. یعنی یک عده زیاد برای تصمیم گیری در مورد یک امر، و تجربه به ما نشان داده که این جلسات به دشواری می توانند شریکشان باشند به اضافه حضور مقامات مملکتی، با توجه به گرفتاریهایی که این افراد در پستهای خود دارند، نمی تواند در شورای عالی فرهنگ حضور فعالی باشد. به احتمال زیاد قضیه به ای صورت خواهد بود که کمیته های زیر دست با جلسات مداوم خود مسائل را پیگیری و حلای می کنند و طی ضوابطی در هفته یکبار عمومی تشکیل شود و این مسائل به گوش همه برسد حال با

توجه به وسعت برنامه های ستاد انقلاب فرهنگی، در یک جلسه دو ساعته چقدر می توانند به مسائل رسیدگی کنند من نمی دانم. به نظر من با این ترکیب هم مشکل بتوان کاری از پیش برد، مگر اینکه شکل شورا را تغییر دهند. مثلاً مقامات مملکتی در آن شرکت نکنند، چون وجود و شرکت این مقامات یک حالت تشریفاتی به شورا می دهد، و بهتر است اعضا شورا را از افراد دیگر مانند استادانی که فعالیت آنها در همین زمینه است و روحانیون برجسته ای که مشغولیت دیگری ندارند انتخاب کنند، البته مقامات مسئول می توانند گزارشات را از این افراد دریافت کرده و دقیقاً در جریان امور باشند همینطور که الآن هستند. و بهر حال اگر ترکیب

\* هیچ اشکالی ندارد که

ماستاد را برداریم، ولی یک

مجموعه با یک

ترکیب قوی تر و در خط انقلاب

داشته باشیم و اسم آنرا هم

بگذاریم شورای عالی فرهنگ،

ولی به شرط آنکه این شورا

حالت انقلابی داشته باشد

و اعضای آن تمام وقت در اختیار

شورا باشند.

شورا تغییر کند می تواند موثر باشد، یعنی فرقی نمی کند که شما اسم آنرا شورای عالی فرهنگ بگذارید یا ستاد انقلاب فرهنگی، محتوی یکی است. ولی اگر همان اعضای باشند که قبلاً اعلام شده نمی دانم چقدر می توانند توفیق پیدا کنند، البته این بصورت یک پیش بینی است، و خود برادر خامنه ای هم هنوز مشخص نکرده اند که ترکیب شورا چگونه است. هیچ اشکالی ندارد که ما ستاد را برداریم ولی یک مجموعه با ترکیب قوی تر و در خط انقلاب داشته باشیم و اسم آنرا هم بگذاریم شورای عالی فرهنگ، منتهی به شرط اینکه این ورق بزنید

شورای عالی یک حالت انقلابی داشته باشد و افراد عضو آن درگیرهای دیگری نداشته و تمام وقت در اختیار شورا باشد.

### برنامه‌های آموزشی تربیت مدرس

س: از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان این مدرسه هر یک به تنهایی متشابه اثرات مهمی در ارکان جمهوری اسلامی ایران هستند آیا برنامه آموزشی مدرسه، آنگونه هست که دانشجویان دچار اتلاف وقت نشوند؟

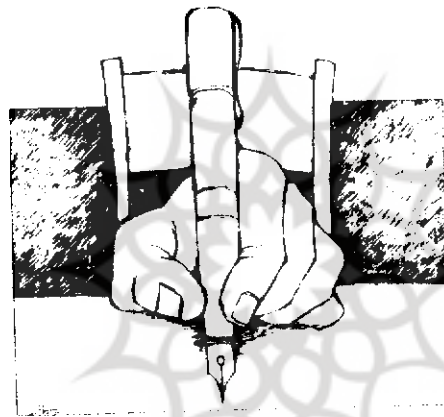
ج: در اینکه برادران در جاهانی که قبلاً بوده‌اند کارایی زیاد و نقش حساسی داشتند شکی نیست. اما اینها تشخیص داده‌اند که آینده دانشگاه آنقدر اهمیت دارد که مدتی روی آن سرمایه‌گذاری شود. اگر الان بگوئیم، برنامه آموزشی مدرسه آنقدر قوی

### \* درستگاههای مختلف

کشور افراد لایق و تحصیلکرده با تخصصهای عالی وجود دارند، هیچ اشکالی ندارد که اینها چند ساعت از کار اداره خود کم کرده و تدریس کنند، از لحاظ علمی هم در ضمن تدریس مطالب بیشتری می‌آموزند.

و پر محتوی است که بتواند خسارت عده کار این برادران را در ارگانهای دیگر جبران کند. قضاوت عجولانه‌ایست ولی مسأله هدف ما همین است. در مدرسه امیدوار است که به لطف خداوند بتواند یک برنامه آموزشی قوی و غنی را عرضه کند. تا جبران آن خسارت را بنماید. ولی باید این نکته را یادآور شد که مدرسه یک نهاد جدید التاسیس می‌باشد و احياناً در مواردی ضعفهایی خواهد داشت. در بعضی از واحدها هنوز محتوای برنامه‌ها مشخص نشده. بعضی از درسها باید مضمون جدیدی بر مبنای معیارهای جمهوری اسلامی پیدا کنند که اینکار نیاز به وقت دارد. مثلاً کسیکه بخواهد امروز در دانشگاه حقوق اداری بخواند با قدیم خیلی فرق می‌کند. حقوق اداری که قبلاً در دانشگاهها تدریس

می‌شد بر مبنای نظام اداری قدیم بود. الآن نظام اداری که بر مبنای معیارهای جمهوری اسلامی باشد هنوز تدوین نگشته. و کسی که بخواهد حقوق اداری تدریس کند نمی‌داند که باید در کلاس چه چیزی درس بدهد. اگر همان نظام گذشته را تدریس کند که یک نظام بی معنی و تهی است. نظام جدید هم هنوز در مجلس مطرح نشده که تدریس شود. در رشته‌های دیگر نیز همین مشکل وجود دارد. مثلاً ما هنوز یک کتاب تحلیلی از قانون اساسی نداریم. در نظام قدیم استادانی بودند که تخصص در تدریس قانون اساسی مشروطه داشتند و خوب در آن زمینه کار کرده بودند. و ما الان چنین چیزی نداریم. در بسیاری از موارد دیگر نیز همین مشکلات وجود دارد و محققین باید به سرعت با فعالیت خود این مسائل را از بین ببرند. و این امکان‌پذیر نیست مگر با تلاش تمام دست‌اندرکاران و از جمله خود دانشجویان.



بهرحال مسائل علمی به نحوی هستند که نمی‌توان روی آنها ارزشیابی کمی انجام داد. بلکه به مرور زمان ارزش خود را نشان می‌دهند.

### کمبودها و اقدامات انجام شده

س: اقداماتی که وزارت علوم و آموزش عالی و ستاد انقلاب فرهنگی در تأمین نیازهای مکانی - مالی و آموزشی مدرسه به عمل آورده‌اند چیست؟ و تا چه حد مناسب با نیازهای واقعی آن می‌باشد؟  
ج: مدرسه از لحاظ مکان استقرار آموزشی و مینظور خوانگاه دانشجویی و دیگر امکانات لازم مثل کتابخانه، آزمایشگاه و امکانات تأسیساتی کمبود زیادی دارد. تاکنون هم اقداماتی از طرف ستاد و وزارت علوم در این زمینه صورت نگرفته. فعلاً مدرسه به صورت مهمان دریکی از

ساختمانهای دانشگاه تهران مستقر می‌باشد. که این بسیار کوچک است و به هیچ وجه نمی‌تواند نیازهای مدرسه را تأمین کند. در صورتیکه مدرسه هنوز گسترش پیدا نکرده و اگر بعد از یکی دو سال چنین شود. این امکانات دیگر به هیچ وجه کافی نیست. از لحاظ مسائل دیگر نیز کمبودهایی هست مثلاً وسایل نقلیه کم داریم که در این زمینه مختصر اقداماتی صورت گرفته ولی باز هم کمبود هست و احتیاجات ما بسیارند.

مدرسه هنوز استاد ندارد و از طرف ستاد و وزارت علوم هیچ کمکی در این زمینه صورت نگرفته. البته ما از بعضی اعضای ستاد متشکریم که خود تشریف می‌آورند اینجا و تدریس می‌کنند. ولی به عنوان ستاد و یا وزارت علوم اقدامی صورت نگرفته. اساتید دانشگاهی و روحانیون برجسته‌ای که با ما همکاری می‌کنند، با کوشش و علاقه‌مندی خود به اینجا تشریف می‌آورند. ستاد انقلاب فرهنگی به لحاظ تنظیم برنامه بعضی از قسمتها و ابلاغ آن کمک بزرگی به ما کرده و انشاءالله بقیه قسمتها را هم می‌دهد. اگر ستاد برنامه‌ها را بدهد بهترین کمک را کرده چون نقش ستاد برنامه‌ریزی است. که البته در این زمینه مشکلات و کمبودهایی وجود دارد. ولی وزارت علوم متأسفانه تا اینجا خیلی کوتاهی کرده. البته ما مشکلات آنها را درک می‌کنیم ولی به نسبت باید برای مدرسه بیش از این سرمایه‌گذاری کنند که هنوز نکرده‌اند.

### نظرات دولت و مجلس درباره مدرسه

#### تربیت مدرس

س: آیا دولت و مجلس مدرسه را یک ثمره انقلاب فرهنگی می‌دانند و یا اینکه صرفاً یک مرکز تربیت فوق لیسانس و اصولاً این دو ارگان بزرگ کشور چه اقداماتی برای مدرسه انجام داده‌اند؟  
ج: البته شاید این دو قسمت با هم جمع شوند یعنی دولت و مجلس مدرسه را هم یک ثمره انقلاب بدانند و هم یک مرکز تربیت مدرس ولی اگر منظورشان این است که آیا دید این دو ارگان نسبت به مدرسه مانند یکی از سازمانهای دولتی گذشته است و نه یک ثمره انقلاب جواب این سوال مشکل است. ما با بعضی از مقامات دولتی که صحبت کردیم. بعد از اینکه متوجه شدند مدرسه چیست و چه رسالت عظیمی به عهده دارد. نسبت به مدرسه

احساس احترام کردند و گفتند که باید برای مدرسه اهمیت قابل بود. مجلس هم همینطور. ما با بعضی از نمایندگان و کمیسیونها و حتی با خود برادر فسنجانی که صحبت کردیم، ایشان تعبیر جالبی از مدرسه داشتند و می گفتند که ما از اول به چنین جایی امید بسته بودیم و دلمان می خواست که چنین جایی باشد. و این تعبیر جالبی است.

من فکر می کنم که افاغان مدرسه را به عنوان یک ثمره انقلاب تلقی می کنند اما اگر ضعفی در این مسئله، وجود دارد یکی از عوامل آن اینست که مدرسه تاکنون درست به مقامات دولت و مجلس معرفی نشده، و می باید از طرف مدرسه در این زمینه اقدامات بیشتری صورت می گرفت. این روزها بر اثر ارتباطاتی که با مقامات مسئول مملکت برقرار شد احساس کردیم که این برادران به عنوان یکی از امیدهای انقلاب اسلامی نظر مساعد و احترام آمیزی نسبت به مدرسه دارند.

اما کارهایی که تا بحال این ارگانها برای ما انجام داده اند، در حد یک نهاد دولتی بوده مثلا در رابطه با بودجه مدرسه مانند تمام سازمانهای دولتی به سازمان برنامه پیشنهاد داده و بعد از تصویب مجلس آنرا به ما داده اند ولی این کمکها بیشتر از این نبوده، البته اخیرا با صحبتهایی که با برادران مسول شده آنها بر حسب امکاناتشان قول مساعد داده اند.

در مراسم بازگشایی نمایندگان رئیس جمهور بعد از اتمام جلسه به ما گفتند که آیا این درد دلهای شما به گوش رئیس جمهور رسیده یا نه؟ و خوب جواب ما منفی بود و همانطور که گفتیم این تفصیر از جانب ماست که در شناساندن مدرسه به مسئولین کوتاهی کرده ایم و گرنه مقامات مملکتی بیشتر همکاری می کردند.

### کارایی مدرسه در تأمین نیروی انسانی دانشگاهها

س: آیا مدرسه به تنهایی می تواند کمبود نیروی انسانی و کادر آموزشی دانشگاهها را تأمین نماید؟  
ج: اگر امکانات کافی در اختیار مدرسه قرار دهد این امر تحقق پیدا خواهد کرد منتهی در درازمدت ولی در کوتاه مدت و برای رفع کمبودهای فوری که اکنون به آن نیاز داریم ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت علوم از طریق استخدام افراد فارغ التحصیل از دانشگاههای خارج و داخل سعی

در برطرف کردن این کمبود دارند، ولی بهر حال هیچ سازمانی دیگری غیر از مدرسه نباید تأمین و تربیت کادر آموزشی دانشگاهها را به صورت مستقیم در آینده عهده دار باشد. غیر مستقیم چرا. مثلا دانشگاهها دوره های فوق لیسانس و دکتری دارند خوب ممکن است از پنجاه نفری که در درجه فوق لیسانس فارغ التحصیل می شوند، دوفتر برای تدریس در دانشگاهها مناسب باشند که اینها جذب می شوند. و همینطور بین افرادی که از خارج فارغ التحصیل می شوند نیز چنین افرادی وجود خواهد داشت ولی ارگانی که مسئول تربیت مدرس باشند فقط مدرسه است.

برنامه ریزیهای که شده مدرسه بالقوه این

### \* یکی از دانشجویان شرکت

### کننده در مجمع جهانی

### دانشجویی: از عوامل تسلط

### استعمار غرب در کشورهای

### اسلامی همین پذیرش دانشجو

### تحت عنوان تربیت متخصص

### می باشد، که همراه این تخصص

### فرهنگ غرب را هم به او القا

### می کنند.

قدرت را دارد که در دراز مدت کمبود نیروی انسانی دانشگاهها را برطرف کند. منتهی مسئله ای که هست دانشگاهها مدتی تعطیل بوده اند و فارغ التحصیل کسی دادند. فارغ التحصیلان قبلی نیز در پستهای مختلف مشغول کار شده اند، به همین دلیل، یعنی وقفه بین درس و همچنین عدم مطالعه اکثر فارغ التحصیلان نتوانستند با وجود کلاسهای تقویتی که ما برایشان گذاشتیم در امتحانات ما قبول شوند. و در این دوره ما نتوانستیم تعداد زیادی دانشجو با شرایط لازم جذب کنیم. ولی با شروع فعالیت دانشگاهها این مشکل برطرف می شود زیرا از هزاران نفری که هر سال از دانشگاهها فارغ التحصیل می شوند. حداقل ۵۰۰ نفر خواهند بود که

شرایط ورود به مدرسه را داشته باشند و چون در تحصیل این افراد وقفه ای رخ نداده با آمادگی بهتری در مدرسه درس می خوانند و کیفیت تحصیل بالا می رود و اگر ما بتوانیم سالانه با قصد مدرس از اینجا فارغ التحصیل کنیم، این تعداد حتی از نیاز دانشگاههای کشور نیز جاسر خواهد بود. به نظر من ما تا ده سال آینده در این زمینه مشکلاتی خواهیم داشت ولی بعد از آن تعدادی که در کسب کفایت دانشگاههای ما را احداث کرده بودیم خواهد داد

### مسئله کمبود استاد

س: آیا مسئله کمبود استاد در دانشگاهها به این حدت و حدت که مطرح است. واقعا دارد تا نسبت ساخته و پرداخته شده است. کمبود است. و راجع به در دانشگاهها می باشد؟ حتماً به عنوان کسیکه سالها تجربه آموزشی دارد حد را از حلقه برای این کمبود باسروهای موجود پیشنهاد می کنید.

ج: در اینکه ما استاد کم داریم سگی حساس و ولی اینکه بحرانی از این جهت پدید آمده است باید تحلیل کرد اگر منظور ما استاد واقعی یعنی استاد مسلمان، معتمد و متخصص در سطح بالاست. نه ایما ما کم داریم و حلقی هم به آن نیاز مندیم و ما مدتها نیز این کمبود هست اما اگر استاد را به معنای متداول معمولی که قبلاً هم بوده، منظور که نتواند آموزش کلاسیک دانشگاهها را اداره کند. افرادی کم نیست و اگر هم کم است ما قادریم با کار بیشتر نیروهای موجود ایما تأمین کنیم. البته اس از لحاظ کیفیت کار آموزش تا حدودی تجربه می رند، یعنی وقتی ما به استاد بگویم شما به دلیل ضرورت انقلاب به جای ۶ ساعت ۱۲ ساعت درس بده این امکان دارد ولی این استاد بعد از مدتی دیگر چیز جدیدی یاد می گیرد و فقط آنچه را که بلد است تدریس می کند و سیستم دانشگاهی مخالف این است یعنی استاد باید به معلومات خود در ضمن درس دادن بیافزاید. بهر حال کمبود داریم.

یک مقدار هم تبلیغات وجود دارد که می خواهند بگویند، استادان تصفیه شده اند و دانشگاهها تجربه خورده اند. ماهیجوت قبول نداریم که تجربه خورده درست است که دانشگاههای ما تعدادی استاد از دست داده اند ولی حقیقت این است که اکثریت قطعی این تعداد، سرمایه هانی برای مملکت نبوده اند امثال شریف امامی ها نمی توانستند

ورق بزنید

انتظار هم نیست که به خانواده اش نرسد، بنابراین کمبود استاد مساله غیر قابل حلی نیست.

اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان پس وزارت علوم و آموزش عالی مدتی است که به عده ای از دیپلمه ها و لیسانسه ها بورس تحصیلی به خارج از کشور می دهد. اما بهتر آن نیست که ابتکار توسط تربیت مدرس و پس از انقضاء حدسال تحصیل و کسب واحراز صلاحیتهای اخلاقی و علمی انجام پذیرد؟

ج. در این مورد باید مسئله را بدو قسمت کرد یکی بورسیه دیپلمه و دیگر بورسیه لیسانسه.

مدرسه چون اولین گزینش خود را روی لیسانسه ها انجام داده بنابراین نادیپلمه ها کاری ندارد. بحث ما بر سر لیسانسه است، اما اینکه آیا اصولاً صلاح هست ما دیپلمه به خارج فرستیم، نظرات مختلفی هست ولی به نظر من ابتکار خیلی ضرورت ندارد. اگر ما هزینه ای را که صرف این مسئله می کنیم برای دانشگاههای خودمان مصرف کرده و آنها را تقویت کنیم خیلی مفیدتر خواهد بود.

در مورد لیسانسه ها مسئله را می توان بدو بخش تقسیم کرد. یکی اینکه وزارت آموزش عالی افراد را به این منظور که بعد از تحصیل در دانشگاهها مشغول تدریس شوند، به خارج می فرستد، مدرسه با این عمل به شدت مخالف است. ما فکر می کنیم که باید امکانات مدرسه را افزایش داد و اینها را همینجا تربیت کرد.

دوم اینکه این اعزام به خارج برای تحصیل در رشته هایی باشد که امکان تحصیل در داخل فراهم نیست. در این مورد نیز باید اولاً اقدام کرد تا این امکانات هر چه سریعتر در داخل فراهم آیند و ثانیاً روی افرادی که برای اعزام داوطلب می شوند گزینشی دقیقی صورت بگیرد و حتماً یک دوره کلاس پیش اسلامی را بگذرانند. تا اگر در جوی قرار گرفتند که از هر طرف با انتقادات مختلف در زمینه های متفاوت روبرو شدند، بتوانند پاسخگو بوده و از خود ضعفی نشان ندهند، ولی متأسفانه در این گزینش معیارهای دقیقی رعایت شده تا جائیکه مادر لیست واجدین شرایط برای اعزام به خارج بسیاری را دیدیم که حتی در گزینش مدرسه مردود شده بودند، بنابراین من امیدوار نیستم این اشخاص وقتی برگشتند بتوانند استاد خوبی برای دانشگاههای ما باشند، و با اصولاً برگردند، چون

**\* اگر الان بگوئیم، برنامه آموزشی مدرسه انقدر قوی است که بتواند خسارت عدم فعالیت دانشجویان را در ارگانهای دیگر جبران کند، قضاوت عجولانه ایست ولی مسلماً هدف ما همین است.**



**\* ترکیب جدید ستاد انقلاب فرهنگی در این وضعیت بنابه ضرورت پیش آمده، و برای مسائلی است که قبلاً وجود داشت، اما این ترکیبی نیست که بتواند ستاد را، به حرکت آورد چون مقاماتی برای عضویت ستاد انتخاب شده اند که تمام وقت مشغول می باشند.**

سرمايه تلفی شوند، این استادان نودسان هم بی فایده است چنانکه بعضی که منده اند این امر در موردشان محسوس است. کاری که نمی کنند هیچ ضرر هم می زنند. روجه دانشجویان و استادان را تضعیف کرده و از کارایی آنها هم کم می کنند.

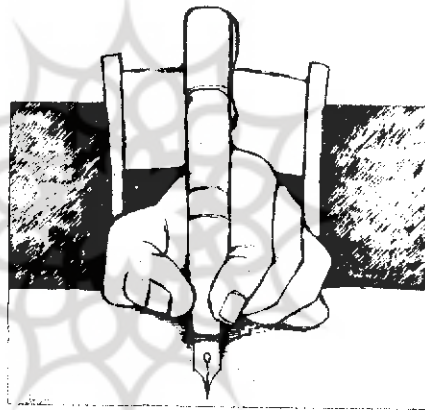
پس ما قبول نداریم که اثر چهار یا استاد تصفیه شده ما ضربه خورده اند و به نظر من این روح معنوی که در دانشگاهها حاکم شده و روز بروز قوی تر هم می شود، این استادان تصفیه شده را جبران می کند. الان یک استاد ما بجای چند استاد دیگر کار واقعی می کند، بهر حال کمبود وجود دارد ولی به همان اندازه که ما نتوانیم دانشگاهها را اداره کنیم، شما امسال شاهد خواهید بود که دانشگاهها با تمام ظرفیت بار شده اند و وقتی ما یک روز را می گذرانیم بدون اسکه کلاسها همان خالی بماند، این بدان معنی است که ما توانسته ایم مسئله را حل کنیم. البته ممکن است کیفیت مقداری با تنگ باشد ولی اینرا انشاءالله به سرعت رفع خواهیم کرد. برای رفع این نیاز فوری چند کار می توان انجام داد یکی کار زیاد استادان است. یعنی استادان وقت خود را به تفتن و نشریاتی کار کردن نگذرانند. درس بدهند، مطالعه هم نکنند. اگر یک استاد در هفته ۲۰ ساعت به مطالعه و تحقیق بپردازد، ۲ ساعت هم با دانشجویان بحث داشته باشد، می تواند ۱۶ ساعت درس بدهد که اگر چنین کاری بکند ما از لحاظ استادان پس خواهیم بود. راه دیگر بکارگرفتن نیروهای بازنشسته است که مساله ای از لحاظ ساسی و علمی ندارند. دیگر اینکه در دستگاههای مختلف کشور هم افراد لایق و تحصیل کرده با تخصصهای عالی وجود دارند. هیچ انکالی ندارد اگر اینها چند ساعت از کار اداره خود کم کرده و تدریس کنند، از لحاظ علمی هم در ضمن تدریس مطالب بیشتری می آموزند که می تواند در کارشان مفید باشد. راه دیگر نیز استخدام جدید افرادی است که چه در کشور فارغ التحصیل می شوند و چه از خارج می آیند که اینها با اندکی کار می توانند نیروهای مقدی باشند، پس می بینید که مساله ای وجود ندارد، و اگر ما می گوئیم کمبود مقصودمان کمبود کیفیت است. با وجود این ما باز نسبت به غربیها اتلاف وقت نداریم چون وقت استادان ما دیگر به مواردی نظیر مشروب، کبابه و از این حرفها تلف نمی شود. در صورتیکه غرب چنین مسائلی زیاد دارد. و ما می بینیم که یک مسئول مملکتی در اینجا به اندازه ۱۰ نفر کار می کند و

دردیوار غرب آلودگی است. اینجا به هر طرف که نگاه می‌کنی آیات الهی می‌بینی و انجا اطراف تورا فساد و فحشا گرفته. چنین شخصی وقتی در آن محیط قرار می‌گیرد هر قدر هم که قوی باشد لاف‌ل زدن و تحریک انقلابی خود را از دست می‌دهد.

بنابراین من معتقدم که ما خود قادر به تربیت افراد هستیم و اصولاً احتیاجی به فرستادن افراد به خارج نیست، و مادر همین مدرسه می‌توانیم چنین کاری را انجام دهیم، اگر برای مدرسه امکانات مادی فراهم آید، حداکثر این است که تعدادی استاد و آزمایشگاه کم خواهیم داشت، که اینها هم بجای اینکه بچه همام را به خارج بفرستیم کافی است چهار تا استاد با درجات علمی بالا بیاوریم و مقداری هم لوازم بنیادی آزمایشگاه، در اینصورت مابارزاترین قیمت توانسته‌ایم امکان تحقیق را در داخل فراهم کنیم. مشکلی هم نخواهیم داشت، نیروها در داخل تربیت می‌شوند و استادانی هم که می‌آیند، پولشان را می‌گیرند، دوسی می‌دهند و دیگر کاری به مسائل سیاسی و انحرافات اخلاقی نخواهند داشت. حتی استادان برجسته‌ای در زمینه‌های مختلف علمی در کشورهای غرب هستند که اینها مسلمانند و از کشورهای اسلامی فارغ التحصیل شده‌اند، منتهی میل ندارند با دولتهای مرتجع خود همکاری کنند، برای این افراد جمهوری اسلامی یک کانون مقدس است و حاضرند حتی با گذشت و ایثار بیایند اینجا و کار کنند، بنابراین ما از این لحاظ هم مشکلی نداریم.

در همین مجمع دانشجویی که دانشجویان از ۳۰ کشور در آن شرکت کرده بودند، همه چشم انتظار اقدامات ما بودند، اصلاً باور نمان نمی‌شد که ماهوز کاری نکرده‌ایم، انتظار داشتند ما برایشان دعوت نامه بفرستیم که بیایند اینجا و درس بخوانند، یکی از آنها عنوان می‌کرد که از عوامل تسلط استعمار غرب در کشورهای اسلامی همین پذیرش دانشجویان با عنوان تربیت متخصص، به اینصورت که همراه این تخصص فرهنگ خود را هم به او القا می‌کنند، وی می‌گفت: «حال که جمهوری اسلامی صاحب اختیار گسترش فرهنگ اسلامی در دنیا است، نمی‌خواهد با تربیت نیروهای متخصص فرهنگ اسلامی را بدون جوامع بین‌المللی صادر کند.» او اینرا وظیفه ما می‌دانست و من معتقدم که این شدنی است و همین مدرسه تربیت مدرس قادر به انجام چنین کاری هست

**\* شورای عالی فرهنگ**  
**باترکیبی که قبلاً پیشنهاد شده،**  
**مشکل بتواند کاری از پیش ببرد،**  
**مگر اینکه شکل شورا را تغییر**  
**دهند، مثلاً مقامات مملکتی در آن**  
**شرکت نداشته باشند، چون وجود**  
**این افراد یک حالت تشریفاتی**  
**به شورا می‌دهد.**



**\* استادان برجسته‌ای**  
**در زمینه‌های مختلف علمی**  
**هستند**  
**که**  
**مسلمان بوده و در کشورهای**  
**اسلامی فارغ التحصیل شده‌اند،**  
**منتهی میل ندارند با دولتهای**  
**مرتجع کشور خود همکاری**  
**کنند، جمهوری اسلامی برایشان**  
**یک کانون مقدسی است.**

منتهی احتیاج به امکانات و سرمایه گذاری دارد، اگر چند دستگاه آپارتمان به ما بدهند که استادانی که از خارج می‌آیند در آنجا مستقر شوند و جایی برای زن و بچه و کتابخانه داشته باشند، همین برای ما کافی است، خرج زیادی هم بر نمی‌دارد، وزارتخانه‌های ما برای راه اندازی بعضی دستگاهها حقوقهای کلانی حتی به متخصصین داخلی می‌دهند که به صد هزار تومان در ماه هم می‌رسد، در صورتیکه یک استاد با ارزش که طی چند سال سدها تن از همان متخصصین را تربیت می‌کند حداکثر ماهی ۲۰ هزار تومان برای ما خرج دارد، می‌بینید که در مقابل جاهای دیگر هزینه گزافی نیست، به اضافه این هزینه فقط برای چند سال اول است بعد از آن دیگر کار راه می‌افتد، و مهمتر از همه اینها اینست که نشان می‌دهد ما می‌خواهیم روی پای خود بایستیم و چشم انتظار غریبه‌ها نیستیم و این خیلی ارزش دارد، بعد از این سرمایه گذاری که حداکثر سالانه یک میلیارد تومان بیشتر نخواهد بود و همانطور که گفتیم این هم برای چند سال اول است، آزمایشگاههای ما شکل خواهند گرفت و تحقیق شروع می‌شود، وقتی اینجا یک مرکز علمی شد، انوقت از سراسر دنیا، کشورهای مسلمان و غیرمسلمان به اینجا می‌آیند، و شما حساب کنید چه تحولی در صدور انقلاب سورت می‌گیرد و با توجه به اینکه ما علم را در خدمت مصرف ندانسته بلکه در خدمت تعالی انسان می‌دانیم، اینکار تاجه حد موثر خواهد بود، ما امیدواریم که بعد از اتمام مسئله جنگ دولت به این امر مهم بپردازد و انشاء الله برادران ما هم در دانشگاه برنامه ریزیهای دقیق تری در حل این مشکل خواهند کرد